

شاعر ملت‌های دردمند و توده‌های آرزومند

نگاهی به زندگی ادبی حمید سبزواری و میراث او برای
انقلاب در سالروز درگذشتش

غلامرضا زوزنی
r.zouzani@shahraranews.ir

همین‌طور که از تخلص شعری‌اش پیداست، پدر شعر انقلاب، اهل سبزوار است. نام اصلی او حسین آقا ممتحنی است که چندان به این نام شناخته نمی‌شود. او در سال ۱۳۰۴ در سبزوار متولد شد. پدر و مادر و اجداد پدری‌اش اهل ادب و ذوق شاعرانه بودند و او هم بی‌نصبی از این ذوق و قریحه نماند. در دوره نوجوانی سرودن شعر را آغاز کرد و در جوانی به پانوق‌های احزاب سیاسی سرک کشید. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پای او را به زندان‌های رژیم پهلوی باز کرد. او با آغاز جریان انقلاب اسلامی به انقلابیون پیوست و همنشینی‌هایی با رهبر معظم انقلاب در تهران و مشهد داشت. مبارزات انقلاب که جدی‌تر شد همه وقتش را صرف سرودن شعر و شعار برای استفاده در مبارزات انقلاب کرد. «خمینی ای امام»، «خجسته باد این پیروزی» با مطلع «از صلابت ملت و ارتش و سپاه ما / جاودانه شد از فروغ سحر پگاه ما»، «بر خیزید» که بیت ابتدایی آن «بر خیزید ای شهیدان راه خدا / ای کرده بهر احیای حق جان فدا» است، «بانگ آزادی» و ده‌ها و صدها شعر دیگر که در لحظه لحظه روزهای پیروزی انقلاب اسلامی و سال‌های بعد از آن در جان ملت ریشه دوانده، از سروده‌های حمید سبزواری است. این شاعر نامدار ۴ سال پیش و در سن نودویک سالگی در چنین روزی درگذشت و هزاران بیت از اشعارش را برای نسل‌های بعد به عنوان تاریخی منظوم به جا گذاشت.



● قصیده‌های انقلابی



تلاش‌ها و مجاهدت‌های حمید سبزواری، در شکل‌گیری و تثبیت انقلاب موضوعی است که محمود اکرامی‌فر، ادیب و شاعر، مایل است درباره آن در ستایش این شاعر فقید سخن بگوید. اکرامی‌فر به سبایقه فعالیت‌های مبارزاتی که مرحوم سبزواری پیش از انقلاب داشته اشاره می‌کند و می‌گوید: «همواره به خاطر زاویه‌ای که با رژیم پهلوی داشته و فعالیت‌های ادبی‌اش نیز به همین سمت گرایش داشته مورد غضب رژیم شاهنشاهی و تحت تعقیب بوده است. از همین رو نقش او در شکل‌گیری و تثبیت انقلاب از همه شاعران و ادیبان پررنگ‌تر است. بسیاری از سروده‌هایی که در روزهای انقلاب و ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب مردم زمزمه می‌کردند را او سروده بود. سروده‌هایش با آهنگ‌سازی آقای شاهنگیان در سال ۱۳۵۷ سر زبان‌ها بود. به جرئت می‌توان گفت شخصیت حقیقی و ادبی او چه قبل و بعد از انقلاب و چه در دوره دفاع مقدس اثرگذار بوده است. او تا لحظه‌ای که جان در بدن داشت مدافع انقلاب اسلامی بود و روحیه انقلابیگری که در لحظات زندگی حمید سبزواری، جریان داشته است.» اکرامی‌فر می‌گوید او آدمی نبوده که حرف مخالف باورها و عقایدش را تاب بیاورد و به صراحت مخالفتش را ابراز می‌کرده است: «با وجود همه تلاش‌ها و مجاهدت‌هایی که سبزواری در شعر و ادبیات انقلاب داشته هیچ فردی همانند او بار نیامده است. درواقع سبک شعری او از نظر قالب منحصر به خود اوست و

هیچ‌کدام از شاگردان شاعرش راه سبزواری را در سبک شعری او دنبال نکرده‌اند.»

این شاعر می‌گوید: «سبزواری پیرو و شاگردان بسیاری دارد که در زمینه فکری از او پیروی کنند اما شرایط روز و نوع شعرهایی که او می‌گفت این مجال را به دنباله‌روهایش نداد تا همانند او شعر بسرایند. کسی را نمی‌بینید که به زبان و سبک او شاعری کند. اساسا زبان شعری که مرحوم سبزواری با استفاده از آن شعر می‌گفت استوار، محکم، قدماپی و قصیده‌ای بود و شاعران امروز رابطه‌ای با این‌ها ندارند که بخواهند در قالب شعری حمید سبزواری شعری بسرایند. با اینکه زبان شعری‌اش در میان شعرای نسل‌های بعد رایج و جاری و ساری است اما تکنیک‌های شعری‌اش مورد استقبال شعرای جوان‌تر قرار نگرفت.»

● مسطه به واژه‌ها



علی محمد مودب، شاعر خراسانی، می‌گوید: «سبزواری موفق شده بخشی از پرنفوذترین و ماندگارترین سروده‌های انقلاب را بسراید به همین دلیل می‌توان او را به تمام معنی شاعر یک انقلاب دانست. او موفق شده است حرف‌های انسان عصر انقلاب را با بالاترین مخاطب و با بالاترین ضریب نفوذ در جامعه و مردمان خودش طرح کند. از این نظر شاعر بسیار مهمی است.» شعرهای حمید سبزواری همواره مخالفانی داشته است که با نوع نگاه او کنار نمی‌آمدند. مودب این مخالفت‌ها را نتیجه نگاه نادرست به اشعار سبزواری می‌داند: «ممکن است کسانی که نگاه درستی به

شعر می‌سراید. حال و هوای انقلاب یک لحظه از او جدا نبود. هر بار که خدمت او رسیدم همواره تاثیر عاطفی از گفتمان انقلاب در وجودش پدیدار بود.» به نظر این شاعر خراسانی، نهادها و دستگاه‌های فرهنگی در شناساندن او به جامعه خوب عمل نکرده‌اند. به باور این شاعر باید اشعار و مجموعه آثار حمید سبزواری به طور گسترده منتشر شود: «در همه این سال‌ها در شأن او کاری نکردیم. به نظرم نهادها و دستگاه‌های فرهنگی و آن مراکزی که مسئولیت ادبیات انقلاب را دارند باید به آثار او بیشتر توجه کنند. باید نمونه‌کارها و گزینش‌های خوبی را برای تبیین آثار او به جامعه ارائه کنند. آثار استاد حمید سبزواری جایگاه این را دارد که بررسی‌ها و تحقیقات موضوعی روی اشعارش صورت بگیرد.» به گفته مودب: «سبزواری کسی است که برجسته‌ترین سروده‌ها و حرف‌های انقلاب را از فیلتر ذهنی خود گذشته است. حتی مردم سبزوار باید بیشتر قدر این گوهر ارجمند را بدانند. در میدان ورودی سبزواری محل تردد زائران امام هشتم است، جای مجسمه‌ای در خور نام او خالی است و جا دارد دستگاه‌های اجرایی و شهرداری سبزوار به این موضوع توجه کنند.»

● آغشته به ادبیات، نه آلوده به مادیات



در موقعیت‌های مناسب و مناسبت‌های مختلف درباره شخصیت ادبی حمید سبزواری گفته و شنیده‌های فراوانی وجود دارد. اما آنچه که مغفول مانده شخصیت او در خانواده خویش است. محسن ممتحنی، پسر بزرگ حمید سبزواری، درباره پدرش و اخلاق او در خانواده می‌گوید: «پدرم با اینکه تمام فکر و ذکرش انقلاب و ادبیات بود اما برای خانواده هم بسیار وقت می‌گذاشت. حقوق ما را همیشه رعایت می‌کرد.» ممتحنی می‌گوید پشت سر خانواده ما حرف‌های بسیاری بوده است در صورتی که هیچ پایه و اساسی ندارد. «به دلیل نوع فعالیت‌های پدرم و نوع نگاهی که او داشت دیگران گمان می‌کنند ما از انقلاب سهم‌خواهی کردیم در صورتی که پدرم هرگز آلوده به مادیات نشد و اعضای خانواده استاد سبزواری هم به همین ترتیب تربیت شدند. پدرم برای مردم و به خاطر مردم شعر گفت و هرگز شعرهایش را برای مادیات نسرود.»

● سرنوشتی برای شاعران جوان
بیم این می‌رود سرنوشتی که بر سر خانه پدری استاد پرویز مشکاتیان در نیشابور گذشت و تخریب شد بر سر خانه اجدادی استاد سبزواری در سبزوار نیز برود. خانه‌ای که بخش اصلی آن از نظر ارزش معماری به دوره قاجار و بخش دیگر آن به دوره پهلوی بازمی‌گردد در آستانه خرابی است. بنا به سخنان پسر استاد حمید سبزواری، خانه پدری‌اش وقف خاصی و وقف اولاد ذکور است و از اجداد پدری‌اش به پدرش و حالا هم به او رسیده است. این خانه محل تولد استاد حمید سبزواری و محل رشد او بوده است. ممتحنی می‌گوید آن خانه را به پیشنهاد و درخواست چند نفر از شعرا و بزرگان فرهنگی سبزوار در زمان حیات پدرش برای بهره‌برداری فرهنگی به اداره اوقاف و امور خیریه سبزوار سپرده بودند: «اوقاف سبزوار که رئیس آن تغییر کرده بود، نتوانست از آن خانه به طور شایسته‌ای بهره‌برداری کند. بعد از کش و قوس‌های فراوان موفق شدیم ملک را از اداره مذکور باز پس بگیریم. با توجه به نظر پدرم خانه را برای راه‌اندازی مرکز فرهنگی در اختیار دانشگاه حکیم سبزواری گذاشتیم و قراردادی به همین منظور با آن‌ها عقد کردیم. باز هم تغییر مدیریت در دانشگاه باعث شد که این خانه تا کنون بدون استفاده باقی بماند. ظاهراً به دلیل نبود بودجه و مسائلی از این دست رئیس کنونی دانشگاه حکیم ابراز کرده که توانایی بهره‌برداری از خانه را ندارند و ما منتظریم مسئولان دانشگاه این مسئله را رسماً به ما اعلام و قرارداد را فسخ کنند. تا ما خانه را برای بهره‌برداری در اختیار اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سبزوار قرار دهیم. ما می‌خواهیم این خانه در اختیار شعرای جوان سبزوار قرار گیرد تا مکانی برای فعالیت‌های خود داشته باشند.» به گفته ممتحنی شهرداری سبزوار بدون اجازه مالک بخشی از دیوار حیاط خانه را تخریب کرده است و این مسئله با گله فرزند استاد حمید سبزواری روبه‌روست: «تخریب بدون اطلاع ما صورت گرفته است. شهرداری می‌گوید به دستور دادستان سبزوار آن را خراب کرده است، در صورتی که دادستان می‌گوید من چنین اجازه‌ای را به شهرداری نداده‌ام. به هر حال بخشی از ملک هم به دلیل اینکه به آن رسیدگی نشده تخریب شده است. البته خوشبختانه ترمیم شدنی است و باید هرچه زودتر برای احیای مجدد آن اقدام کنیم.»



مراسم خاکسپاری حمید سبزواری



حمید سبزواری، علامه محمد تقی جعفری و علی معلم دامغانی



مرحوم حمید سبزواری در ایام جوانی



نمایی از خانه حمید سبزواری که چندی پیش بخشی از آن تخریب شد



حمید سبزواری در محضر رهبری

علیرضا حیدری - سبزواری در کنار زنده‌یادان اوستا، شاهرخی و مشفق کاشانی چهار یار انقلاب در حوزه شعر سنتی بودند که در این میان استاد سبزواری با سرودن چند تصنیف زیبا و خاطره‌انگیز نام و آوازه‌ای به دست آورد و با سرودن اشعار اجتماعی و انقلابی حضور پررنگی در شعر پس از انقلاب داشت. سبزواری که پدر شعر انقلاب لقب گرفت شاعری مردمی و دوست‌داشتنی بود. به طوری که در بزرگداشتش در سبزوار بیشتر مردم شهر به مراسمش آمده بودند. از او تصنیف‌هایی به یادگار مانده است که بر سر زبان مردم است. از ویژگی‌های زنده‌یاد سبزواری این بود که شعر او فقط در دفتر او نبوده و به درون جامعه راه یافته است. از حمید سبزواری در اکثر قالب‌های ادبی اشعاری سراغ داریم، ولی قصیده‌های او بیشتر مشهور است. البته پیش از انقلاب و در دهه‌های چهل و پنجاه که ذوق و ذائقه ادبی جامعه بیشتر به قالب نیمایی گرایش داشت، اشعاری در قالب‌های چارپاره (قالبی نسبتاً نو که آن را حلقه پیوند قالب‌های سنتی و مدرن می‌دانند)، نیمایی و سپید سروده بود. سبزواری درد دین داشت و درد میهن و برایش اساس انقلاب و نظام مهم بود و سعی می‌کرد بین نیروهای انقلاب نوعی دوستی و محبت ایجاد شود؛ با این نگاه عنوان «پدر شعر انقلاب» زبیده اوست.